

نرہ دیدہ شناسی حمایتی افتراقی

(مطالعہ تطبیقی سیاست جنائی تفسینی)

مؤلف

دکتر حسن حاجی تبار فیروز حاجی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی قائم شہر

امانات بخل

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی افتراقی (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی
تقنینی)/ مؤلف: حسن حاجی‌تبار فیروزجائی.
مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۳۷۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۹۱۳-۶
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه
موضوع : جرایم بدون بزه‌دیدة
موضوع : جرایم بدون بزه‌دیدة (فقه) - ایران
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۱ ج۲/۴۰۵۲۸۴
رده‌بندی دیویی : ۳۶۳/۱
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۶۴۴۰۲

سازمان
پژوهش

عنوان کتاب: بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی افتراقی (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی)
تألیف: دکتر حسن حاجی‌تبار فیروزجائی
ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه
ناظر فنی: امین لشکری
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱
قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۹۱۳-۶

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰
http:// www.junglepub.org
email:// Info@junglepub.org
۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

فهرست علائم اختصاری.....	ک
پیش درآمد.....	م
درآمد.....	س
الف- مفهوم بزه دیده.....	س
ب- سابقه پیدایش بزه دیده شناسی حمایتی.....	ص
ج- مفهوم اشخاص آسیب پذیر.....	خ
د- اهمیت و ضرورت بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی.....	بب

بخش نخست: حمایت کیفری از اشخاص آسیب پذیر

فصل نخست: بزه دیدگی ناشی از سن و مقابله کیفری با آن.....	۱۱
گفتار نخست: کودکان و جرم انگاری سوء رفتار با آنان.....	۱۱
بند نخست: تعریف کودک و کودک آزاری.....	۱۱
الف- تعریف کودک.....	۱۱
ب- تعریف کودک آزاری.....	۱۳
بند دوم: بررسی انواع کودک آزاری و کیفر آن.....	۱۶
الف- کودک آزاری جسمانی.....	۱۸
ب- کودک آزاری روانی- عاطفی.....	۲۶
ج- کودک آزاری جنسی.....	۳۵
د- کودک آزاری اقتصادی.....	۴۱
ه- کودک آزاری اجتماعی.....	۵۱
و- کودک آزاری ناشی از غفلت.....	۶۳
گفتار دوم: سالمندان و جرایم نسبت به آنان.....	۶۷
بند نخست: تعریف سالمند و سالمند آزاری.....	۶۸
الف- تعریف سالمند.....	۶۸
ب- تعریف سالمند آزاری.....	۷۱
بند دوم: بررسی انواع سالمند آزاری و کیفر آن.....	۷۳
الف- سالمند آزاری جسمی.....	۷۹
ب- سالمند آزاری روانی- عاطفی.....	۸۰

ج- سالمندآزاری جنسی.....	۸۱
د- سالمندآزاری اقتصادی.....	۸۱
ه- سالمندآزاری اجتماعی.....	۸۳
و- سالمندآزاری ناشی از غفلت.....	۸۴
گفتار سوم: حمایت قضایی و فرا قضایی سن محور.....	۸۶
بند نخست: کودکان.....	۸۹
بند دوم: سالمندان.....	۹۱
فصل دوم: بزه‌دیدگی ناشی از ناتوانی و مقابله کیفری با آن.....	۹۳
گفتار نخست: تعریف ناتوانی و انواع آن.....	۹۵
بند نخست: تعریف ناتوانی.....	۹۶
بند دوم: انواع ناتوانی.....	۱۰۰
الف- ناتوانی جسمی.....	۱۰۱
ب- ناتوانی روانی.....	۱۰۱
گفتار دوم: بررسی انواع ناتوان‌آزاری و کیفر آن.....	۱۰۲
بند نخست: ناتوان‌آزاری جسمی.....	۱۱۰
بند دوم: ناتوان‌آزاری روانی- عاطفی.....	۱۱۱
بند سوم: ناتوان‌آزاری جنسی.....	۱۱۲
بند چهارم: ناتوان‌آزاری اقتصادی.....	۱۱۴
بند پنجم: ناتوان‌آزاری اجتماعی.....	۱۱۶
بند ششم: ناتوان‌آزاری ناشی از غفلت.....	۱۱۹
گفتار سوم: حمایت قضایی و فرا قضایی از ناتوانان بزه‌دیده.....	۱۲۲
فصل سوم: بزه‌دیدگی جنسیتی و مقابله کیفری با آن.....	۱۲۵
گفتار نخست: تعریف تبعیض جنسیتی.....	۱۲۶
گفتار دوم: گونه‌شناسی تبعیض جنسیتی و کیفر آن.....	۱۳۰
بند نخست: تبعیض جسمی.....	۱۳۲
بند دوم: تبعیض روانی- عاطفی.....	۱۳۴
بند سوم: تبعیض جنسی.....	۱۳۵
بند چهارم: تبعیض اقتصادی.....	۱۳۹
بند پنجم: تبعیض اجتماعی.....	۱۴۲
گفتار سوم: حمایت قضایی و فرا قضایی از بزه‌دیدگان تبعیض جنسیتی.....	۱۴۴

فصل چهارم: بزه‌دیدگی ناشی از موقعیت و مقابله کیفری با آن	۱۴۷
گفتار نخست: تعریف و انواع بزه‌دیدگی ناشی از موقعیت	۱۴۸
بند نخست: بزه‌دیدگی ناشی از حوادث و بلایا	۱۴۸
الف- تعریف بلایا	۱۴۸
ب- انواع بلایا	۱۴۹
بند دوم: بزه‌دیدگی ناشی از اقلیت بودن	۱۵۱
الف- تعریف اقلیت	۱۵۲
ب- انواع اقلیت‌ها	۱۵۴
بند سوم: بزه‌دیدگی ناشی از عنوان	۱۵۵
الف- تعریف واژه‌ها	۱۵۶
گفتار دوم: بررسی انواع خشونت ناشی از موقعیت و کیفر آن	۱۵۸
بند نخست: خشونت ناشی از حوادث و بلایا	۱۵۸
بند دوم: خشونت علیه اقلیت‌ها	۱۶۰
بند سوم: خشونت ناشی از عنوان	۱۶۲
گفتار سوم: حمایت قضایی و فرا قضایی از بزه‌دیدگان ناشی از موقعیت	۱۶۸

بخش دوم: حمایت پیشگیرانه از اشخاص آسیب‌پذیر

فصل نخست: پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از سن	۱۸۷
گفتار نخست: پیشگیری اجتماعی	۱۸۷
بند نخست: کودکان	۱۸۷
بند دوم: سالمندان	۲۱۴
گفتار دوم: پیشگیری وضعی	۲۲۲
بند نخست: کودکان	۲۲۲
بند دوم: سالمندان	۲۴۲
فصل دوم: پیشگیری از بزه‌دیدگی ناتوانان	۲۴۷
گفتار نخست: پیشگیری اجتماعی	۲۴۷
گفتار دوم: پیشگیری وضعی	۲۵۹
فصل سوم: پیشگیری از بزه‌دیدگی مبتنی بر جنسیت	۲۶۹
گفتار نخست: پیشگیری اجتماعی	۲۶۹
گفتار دوم: پیشگیری وضعی	۲۷۷

فصل چهارم: پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از موقعیت.....	۲۸۳
گفتار نخست: پیشگیری اجتماعی.....	۲۸۳
بند نخست: آسیب‌پذیر ناشی از حوادث و بلایا.....	۲۸۳
بند دوم: آسیب‌پذیر ناشی از اقلیت بودن.....	۲۸۶
گفتار دوم: پیشگیری وضعی.....	۲۹۵
بند نخست: آسیب‌پذیر ناشی از حوادث و بلایا.....	۲۹۶
بند دوم: آسیب‌پذیر ناشی از عنوان.....	۲۹۷
نتیجه‌گیری و پیشنهاد.....	۳۰۵
منابع و مآخذ.....	۳۲۱

فهرست علائم اختصاری

ق.م.ا.....	قانون مجازات اسلامی
ق.م.ت و ب.....	قانون مجازات‌های تعزیری و بازدارنده
ق.آ.د.د.ع و ا.ک.....	قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری
ق.آ.د.ک.....	قانون آیین دادرسی کیفری
ق.م.....	قانون مدنی
ق.ا.ج.ا.....	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پیش‌درآمد

اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان مسأله‌ای است که از آغاز نیمه‌ی دوم قرن بیستم میلادی توجه اندیشمندان را به‌طور ویژه به خود جلب نموده است به‌طوری‌که تحت تأثیر این اندیشه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب سندی تحت عنوان «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵» بدان جنبه جهانی و نظام‌مند بخشیده است.

یکی از موضوعات مهم در قلمرو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، مطالعه و بررسی گونه‌های خاص بزه‌دیدگی است. بر این پایه، شایسته است که در زمینه بزه‌دیدگان خاص/آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان، ناتوانان، زنان، اقلیت‌ها، شهود، شاکیان خصوصی و افراد دچار حوادث طبیعی و مصنوعی یک گرایش جدیدی به نام «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی افتراقی» ایجاد شود که باید از یک سیاست حمایتی افتراقی بر مبنای تبعیض مثبت و متناسب با نیازها و مشکلات آنان تبعیت نماید. به عبارت دیگر، خصیصه آسیب‌پذیر بودن بزه‌دیدگان خاص در قبال آماج بالقوه جرم ایجاب می‌نماید که تا به آنان در مقایسه با بزه‌دیدگان عام با حساسیت بیشتری نگریسته شود. از این رو، اتخاذ رویکرد بزه‌دیده محور افتراقی ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌شود. بر مبنای همین تفکر تلاش‌ها و اقداماتی از سوی سازمان ملل متحد در قبل و به ویژه بعد از تصویب منشور بین‌المللی بزه‌دیدگان ۱۹۸۵ صورت گرفته است. حاصل این تلاش‌ها تصویب اسناد عام و خاص مانند اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹، کنوانسیون راجع به حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵، اعلامیه حقوق اشخاص دارای عقب‌ماندگی ذهنی ۱۹۷۵، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، اصول ملل متحد برای سالمندان ۱۹۹۱، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰، کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت ۲۰۰۶ بوده است.

نگارنده، در این نوشتار با الهام از یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی افتراقی و در پرتو مطالعه تطبیقی، بر آن است تا از رهگذر بررسی و تبیین بزه‌دیدگی اشخاص آسیب‌پذیر و

گونه‌های آسیب‌پذیری و جهات آن از یک‌سو، چگونگی حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر (حمایت کیفری و پیشگیرانه) در سیاست جنایی تقنینی ایران، انگلستان و سازمان ملل متحد از سوی دیگر، جایگاه آنان را در نظام عدالت کیفری ایران ارتقاء ببخشد. درباره انگیزه اصلی نگارنده از تحقیق و توجه پیرامون مسأله اشخاص آسیب‌پذیر ابتدا در قالب موضوع رساله دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی با عنوان «سیاست جنایی ایران و انگلستان راجع به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در پرتو اسناد بین‌المللی» و سپس تدوین نگارش فعلی با عنوان «بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی افتراقی» باید اشاره کرد اگرچه، تا قبل از این، پژوهش‌های بسیار ارزشمندی پیرامون بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی از سوی پژوهشگران و صاحب‌نظران در قالب پایان‌نامه، مقاله و کتاب صورت گرفته است به ویژه می‌توان به کتابی تحت عنوان «بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی» اثر آقای دکتر مهرداد رایجیان اصلی، یاد کرد ولی تاکنون کتابی در زمینه اشخاص آسیب‌پذیر با ساختار و محتوای نوشتار حاضر نگارش و تدوین نشده است.

نگارش این اثر بدون بهره‌گیری از دانش و تجربه‌ی والا، راهنمایی‌های بجا و شایسته و کمک‌های بی‌دریغ بسیاری از صاحب‌نظران و استادان محترم گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه‌های برتر ایران امکان‌پذیر نبوده است. به منظور اجتناب از تطویل کلام، شایسته است که مراتب قدردانی و تشکر را به محضر برخی از استادان فرهیخته و مهربانم به ویژه سرکار خانم دکتر نسرین مهرا، جناب آقای دکتر علی حسین نجفی‌ابره‌آبادی و جناب آقای دکتر علی صفاری (استادان محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) اعلام دارم. سرانجام، از قبول زحمت مدیر محترم انتشارات جنگل - جناب آقای مجتبی سجاد - و همکاران ایشان به دلیل فراهم نمودن امکان چاپ مناسب این اثر نیز کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم امیدوارم، این نوشتار، هدیه‌ای کوچک، به پاس زحمات بی‌دریغ و ارزنده تمامی استادان گرامی‌مردم بوده باشد. در پایان، باید اذعان نمود که این نوشتار، کاستی‌ها و ایراداتی را به همراه دارد که بیش از هر چیز نیاز به انتقاد و راهنمایی صاحب‌نظران محترم دارد.

حسن حاجی تبار فیروزجانی

پاییز ۱۳۹۱ خورشیدی

الف - مفهوم بزه دیده

واژه «بزه دیده»^۱ در نوشتگان مختلف فارسی و انگلیسی در معانی گوناگون به کار رفته است. در متون فارسی این واژه در معنی عام‌اش، معادل واژه «قربانی» به کار رفته است. قربانی یعنی «۱- ویژگی آنچه یا آنکه به دست آوردن رضای خداوند ذبح می‌شود. ۲- ویژگی آنکه در راه هدفی جان خود را برای دیگران به خطر بیندازد و فدا کند. ۳- آنکه در اثر حادثه‌ای، ناخواسته جان خود را از دست بدهد: قربانی تصادف، زلزله، ... ۴- آنکه به خاطر وضع دشوار و محیط نامناسب دچار مشکل و مصیبت شده است: آدم معتاد قربانی جامعه نابسامان است. ۵- عمل قربانی کردن گوسفند، شتر و مانند اینها در روز عید قربان».^۲ واژه «بزه دیده» در فرهنگ لغت انگلیسی اکسفورد در معانی ذیل به کار رفته است: الف- شخصی که در پی یک رویداد یا حادثه آسیب دیده یا کشته شود. ب- شخصی یا چیزی که به دنبال یک اعتراض یا در جهت ارضای خشم و غضب و غیره آسیب دیده یا نابود شود. ج- شکار یا طعمه: برای مثال، به دام افتادن قربانی در یک حقه بازی یا نیرنگ. د- موجود زنده‌ای که برای خدا یا در یک آیین مذهبی ذبح می‌شود.^۳ اما واژه بزه دیده در معنی خاص‌اش، فی الواقع مفهومی مضیق و همسنگ با واژه معروف حقوق جزا یعنی «مجنی علیه» است و «مجنی علیه» در واژه‌شناسی یعنی «آنکه جرمی به صراحت او واقع شده است».^۴ یا «شخصی که در اثر جرم، شبه جرم یا خطای دیگر زیان دیده است».^۵ در تعریف از واژه «بزه دیده» شاهد اختلاف نظرها و برداشت‌های متغوع از سوی اندیشمندان، به ویژه بزه‌دیده‌شناسان پیرامون تبیین اصطلاح «بزه دیده»،

1- Victim.

۲- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ چهارم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۶، ص ۵۵۱۶.

3- Oxford English Dictionary, 2000, p.1288.

۴- انوری، ۱۳۸۶، ص ۵۵۱۶.

5- Garner, Bryan A (2004), black, s Law Dictionary, Eight Edition, Thomson, p.1598.

«بزه‌دیده‌شناسی»^۱ و مفهوم و قلمرو آنها هستیم. به عنوان مثال، فون هنتیگ^۲ در کتابش با اعتقاد به روابط میان بزه‌دیده و بزه‌کار و نقش وی در ایجاد رفتارهای مجرمانه، تنها بزه‌دیدگان ناشی از رفتارهای مجرمانه را مدنظر قرار داده است یا عزت فتاح^۳ اصطلاح بزه‌دیده را کسی می‌داند که به یک برآیند منفی یا هرگونه زیان یا آسیب دچار شده باشد، به کار می‌رود خواه زیان یا آسیب مالی، جسمی یا عاطفی باشد.^۴ یا مندلسون^۵ در سال ۱۹۷۶ بزه‌دیده را اینگونه تعریف می‌نماید: «شخصی مستقل یا متعلق به یک مجموعه‌ای که متحمل آثار دردناک برخی عوامل شده که اینها دارای ریشه‌های مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نیز طبیعی می‌باشند».^۶ بنابراین، مندلسون یک مفهوم گسترده‌تر از اصطلاح بزه‌دیده را ارائه می‌نماید. وی اعتقاد دارد که اصطلاح «بزه‌دیده‌شناسی» نه تنها باید بزه‌دیدگان ناشی از رفتارهای مجرمانه را در بر گیرد بلکه باید شامل تمامی قربانیان یعنی قربانیان جرایم و سوءاستفاده از قدرت و قربانیان ناشی از رخدادهای رویدادهای طبیعی و دیگر اعمال منسب به خداوند مانند سیل و طوفان بشود.^۷

با این اوصاف، اینکه آیا «بزه‌دیده‌شناسی» باید خود را به بزه‌دیده و بزه‌دیدگی در مفهوم رسمی/ خاص محدود کند یا باید مفهوم گسترده‌تری را بر پایه قربانی‌شناسی عمومی^۸ بپذیرد که قربانیان نقض‌های حقوق بشری، دیگر رویدادها و حتی رویدادهای طبیعی را نیز در بر گیرد؟ مسئله‌ای بسیار مورد اختلاف و پر سر و صدا در نشست‌های متعدد «انجمن

1- Victimology.

2- Vonhentig.

3- Ezzat Fattah.

4- Fattah, Ezzat A, (2000), Victimology: Past, Present and Futur, Criminology, v. 33, n.1, p.147.

5- Mendelsohn.

۶- لیز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه: روح‌الدین کردعلیوند و ... انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶.

۷- همان، صص ۵۹-۵۸.

8- General Victimology.

جهانی بزه‌دیده‌شناسی» بوده است^۱ که سرانجام با پیشنهاد اندیشمندانی مانند رابرت الیاس^۲ (۱۹۸۵) و به ویژه سپارویچ^۳ (۱۹۸۵) بزه‌دیده‌شناسی موضوع خود را نه با توجه حقوق جزا بلکه با توجه به حقوق بشر، باید تعریف کند. بر اساس این دیدگاه، بزه‌دیده‌شناسی باید پیامدهای انسانی نقض‌های حقوق بشری را که شهروندان یا حکومت‌ها مرتکبان آن هستند، مطالعه کند. ولی قربانیان رخدادهای طبیعی مانند طوفان و زلزله نباید در این حوزه گنجانده شوند. زیرا قربانی شدن ناشی از رخدادهای طبیعی را اراده‌ایی خارج از اراده انسان مشخص می‌کند. اگرچه برخی از سازمان‌های حمایت از بزه‌دیده، خدماتی را به قربانیان رخدادهای طبیعی می‌رسانند.^۴ سرانجام، «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی»^۵ با ایفای نقش مؤثر در تصویب یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین سند بین‌المللی در راستای تأمین حقوق بزه‌دیدگان معروف به «اعلامیه سازمان ملل متحد درباره اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»^۶ مصوب ۱۹۸۵، باعث شد که در این

1- Dijk, J. J. M. Van (1999), *Introducing Victimology: Caring for Crime Victim: The ninth Symposium of the world of Victimology* (in Free University of Amsterdam from 25 to 29 August 1997, Criminal Justice Press, Monsey, Newyork, pp.4-5.

2- Robert Elias.

3- Separovic.

4- Ibid, p.5.

5- The World Society of Victimology.

جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی، فعال‌ترین و مهم‌ترین سازمان بین‌المللی غیردولتی در زمینه بزه‌دیدگان و بزه‌دیده‌شناسی است که هر سه سال یک بار به برگزاری سمپوزیوم بین‌المللی می‌پردازد. این نهاد اولین بار در سال ۱۹۷۹ در مونستر آلمان توسط جرم‌شناسانی مانند اشنایدر ایجاد شده است.

6- Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, 1985.

در این سند ابعاد گوناگون حمایت از بزه‌دیده، پیشگیری از بزه‌دیدگی و تأمین حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان از رهگذر دسترسی به عدالت، رعایت احترام به منزلت بزه‌دیده، حق جبران خسارت مادی، روانی و عاطفی، حق ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان، تأمین امنیت آنان، فراهم کردن سازوکارهای جبران خسارت از طریق بزهکار و یا غرامت دولتی، تأکید بر استفاده از سازوکارهای غیررسمی حل اختلاف میان بزه‌دیده با بزهکار مانند میانجی‌گری مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، این سند نمایانگر ایجاد «سیاست جنایی بزه‌دیده مدار» است. جهت اطلاع بیشتر از توضیح پیرامون اعلامیه «اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵ و تأثیرات آن، رک: رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، چاپ اول، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۴، صص ۱۴۲-۱۱۷.

اعلامیه تعریف نسبتاً مشابهی از بزه‌دیدگان مورد پذیرش قرار گیرد. بر پایه‌ی ماده‌ی ۱ اعلامیه «بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو از جمله قوانینی که سوءاستفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند- به شکل فردی یا گروهی- به آسیب از جمله، آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود دچار شده‌اند».

ب- سابقهٔ پیدایش بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی

تا اواخر نیمه‌ی اول قرن بیستم میلادی توجه خاص و مستقل به بزه‌دیدة از سوی اندیشمندان و سیاست‌گذاران علوم جنایی^۱ نشده بود^۲ تا اینکه حدود کمتر از یک قرن بعد از تولد جرم‌شناسی (۱۸۷۶)، نگاه اندیشمندان به ویژه جرم‌شناسان به سمت «بزه‌دیدة» تغییر جهت پیدا کرده است. این دسته از دانشمندان به منظور پیشگیری از جرم و تکمیل مباحث «علت‌شناختی جنایی»، تلاش برای شناخت شخصیت بزه‌دیدة و نقش وی در ارتکاب جرم نموده‌اند. حاصل این تلاش‌ها، ایجاد رشته جدیدی به نام «بزه‌دیدة‌شناسی» بود.

مطلبی که باید مورد اشاره قرار گیرد این است که اگرچه تا سال ۱۹۴۱ توجه مستقل به بزه‌دیدة از سوی اندیشمندان و سیاست‌گذاران شده بود؛ اما این بدان معنی نیست که آنها هیچ اعتقادی به بزه‌دیدة و جبران خسارات وارده به ایشان را نداشته‌اند، بلکه جبران خسارت وارده به بزه‌دیدة مورد توجه و اعتقاد آنان نیز بوده است ولی این امر در حقیقت، فرع بر مبارزه با بزه‌کار و تأمین منافع اجتماعی به دلیل اهمیت مسأله جرم، لزوم مبارزه با آن و حفظ نظم و آسایش عمومی بوده است. به‌عنوان مثال، اغلب اندیشمندان و فیلسوفان در

- ۱- برای اطلاع بیشتر از نمودار رشته‌های تخصصی تشکیل‌دهنده علوم جنایی و توضیحات اجمالی آن رک: نجفی‌ابرنادادی، علی حسین، از حقوق جنایی تا علوم جنایی، دیپاچه در: علوم جنایی (مجموعه مقالات جهت نکوداشت دکتر آشوری)، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص ۱۶-۷.
- ۲- برای اطلاع بیشتر از علت بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به بزه‌دیدة در این دوره، بنگرید: ویلیامز، کترین، تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن، ترجمه: دکتر علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۸، ۱۳۸۲، صص ۲۶۴-۲۶۳.
- صفاری، علی، تحولات پیشگیری از جرم و اهمیت آن، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۲، پائیز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۳۱۴-۳۱۳.

یونان قدیم برای کیفر سه نقش و هدف را ترسیم و بیان کرده‌اند که «از جمله آن اهداف، انتقام‌جویی است. کیفر در نزد یونانیان قدیم، قبل از هر چیز وسیله‌ای است برای اعاده آبروی از دست رفته بزه‌دیده و همزمان برای تأیید مجدد حیثیت و قدرت وی. با توهین به شخص توهین‌کننده یعنی مجرم چندان که او را خوار کند. در واقع کیفر باید قلب برآشفته بزه‌دیده را آرام بخشد و به وی نفع برساند و برای او نوعی لذت بوجود آورد»^۱. یا ژرمی بنتام نیز تأمین رضایت بزه‌دیده را با اهمیت تلقی می‌کرد و علاوه بر استفاده از دارایی بزه‌کار، باید در موارد لزوم برای این امر به خزانه عمومی مراجعه کرد.^۲

اصطلاح «بزه‌دید-شناسی» ابتدا توسط جرم‌شناسان و یا جامعه‌شناسان ایجاد نشده بلکه از سوی شاعران و رمان‌نویسانی مانند توماس دی کوینسی^۳ ایجاد شده است به گونه‌ای که از اینها تحت عنوان «بزه‌دیده‌شناسان ادبی» یاد می‌شود.^۴ اما اولین مطالعه سیستماتیک درباره بزه‌دیدگان جرایم در سال ۱۹۲۱ توسط دانشمندی به نام «فون هنتیگ» ابتدا در مقاله‌ای تحت عنوان «ملاحظات دربارۀ تعامل میان مجرم و بزه‌دیده»^۵ و سپس در سال ۱۹۴۸ در کتابی تحت عنوان «مجرم و قربانی او»^۶ صورت گرفته است.^۷ فون هنتیگ در این کتاب، به مطالعه نظری انواع بزه‌دیدگان، ارتباط متقابل میان بزه‌دیده و بزه‌کار و نقش بزه‌دیدگان در بزه‌دیدگی‌شان از طریق تحریک و اغوای مجرم اصرار ورزیده است. بعد از فون هنتیگ، دانشمندانی مانند مندلسون (ابتدا در سال ۱۹۴۷ در کنگره بخارست در فرانسه و سپس در سال ۱۹۵۶)، ولفگانگ^۸ (۱۹۵۸)، عزت فتاح (۱۹۷۱)، و دیگران با طرفداری از

۱- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه: علی‌حسین نجفی‌ابرنادادی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۸.

۲- دبستانی کرمانی، پوپک، حمایت از بزه‌دیده در نظام کیفری انگلستان و ولز، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، صص ۱-۲.

3- Thomas de Quincy.

4- Literary Victimologists.

5- Fattah, Ezzat A, (2000), op.cit, p.22.

6- Remarks on the Interaction between Perpetrator and Victim.

7- The Criminal and His Victim.

8- Fattah, Ezzat A, (2000), op.cit, p.22.

9- Wolfgang.

دیدگاه فون‌هنتینگ، اعتقاد بر تأثیر بزه‌دیده در ارتکاب جرم و گونه‌شناسی بزه‌دیدگان داشته‌اند.^۱ به‌طور کلی، بزه‌دیده‌شناسی اولیه که به «قربانی‌شناسی کیفری»^۲ و نیز «بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا»^۳ معروف است^۴ و به نوعی مرتبط با توصیف علی از جرم و نقش بزه‌دیده در ایجاد آن است فی‌الواقع، بیانگر ادامه مباحث علمی مربوط به علت‌شناسی جنایی است که در بستر جرم‌شناسی مطرح شده است. در نظام جزائی ایران نیز می‌توان مواردی را نام برد که در حقیقت به نوعی منطبق با دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی است مانند بند ۳ ماده ۳۷ و بند ۵ ماده ۲۶۲ و ماده ۵۱۶ ق.م.ا. ۱۳۹۰.

مرحله دوم از تحولات بزه‌دیده‌شناسی تحت تأثیر جنبش‌های سیاسی و عقیدتی، به ویژه اعتراض طرفداران حقوق زنان، از آغاز سال‌های ۱۹۷۰ و با انتقاد از دیدگاه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی یا اولیه شروع شده بود. مندلسون، بانی و پیشقدم در این زمینه بوده

۱- برای اطلاع بیشتر از مفهوم واژه بزه‌دیده و نیز تبیین واژه بزه‌دیده‌شناسی، قلمرو و تاریخچه مختصر آن برای نمونه، به منابع ذیل بنگرید:

- Fattah, Ezzat A, (2000), op.cit, PP. 17- 46.
- Dijk, J. J. M. Van (1999), op.cit, pp.1-6.
- Dussich, John p.J (2005), victimology: past, present and future, Resource material series, N.70, pp.1-2.
- Garner, Bryan A (2004), Black, s Law Dictionary, Eighth Edition, Thomson, p. 1598.
- نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، از جرم‌مداری تا بزه‌دیده‌مداری، دیپاچه در: ژرار و ...، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه احمد محمدی و ...، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۹، صص ۱۲-۹.
- لیز، ژرار و فلیزولا، ژینا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه: روح‌الدین کردآیونید و ...، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۱۳۹-۵۱.
- نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۶-۱۰.
- نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، از حقوق کیفری بزه‌دیده‌مدار تا عدالت ترمیمی، دیپاچه در: مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده در فرایند کیفری، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱، صفحه ۱۸-۱۱.
- کی‌نیا، مهدی، بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی علیه‌شناسی، نشریه حقوق دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، شماره ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۲.

2- Penal Victimology.

3- Interactionist Victimology.

4- Dijk, J. J. M. Van (1999), op.cit, p.2.

است.^۱ بزه‌دیده‌شناسی در این مرحله از تحولات، بر اندیشه حمایت‌های گوناگون اعم از مادی، جسمانی، روانی-عاطفی و پزشکی از بزه‌دیدگان مستقیم یا غیرمستقیم جرایم، تعدیل وضعیت بزه‌دیدگی و تثبیت حقوق و منافع‌شان استوار است. رویکرد اندیشمندان در این دوره مبتنی بر ایجاد گرایش جدیدی از بزه‌دیده‌شناسی معروف به «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی»^۲ است. طرفداران این بزه‌دیده‌شناسی با این استدلال که بزه‌دیده یا افراد تحت تکفل وی، در هر حال بزه‌دیدگی را تجربه کرده‌اند و با تحمل جرم دچار مشکلات مادی، روانی و عاطفی شده‌اند، اعتقاد دارند که جامعه به‌طور کلی و نظام کیفری به‌ویژه باید در سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های تقنینی-قضایی خود مصالح و منافع بزه‌دیدگان را بیش از گذشته مورد توجه قرار دهند.^۳ این گرایش از بزه‌دیده‌شناسی طی دو-سه دهه گذشته، به ویژه دهه‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۸۰، توسعه و تکامل یافته است؛ به‌گونه‌ای که از این دو-سه دهه به‌عنوان «دوره تحکیم، جمع‌آوری اطلاعات و نظریه‌سازی»^۴ با وضع قوانین و مقررات ویژه، جبران خسارت بزه‌دیده، میانجیگری میان بزه‌دیده و مجرم و اطرافیان آنان، حمایت و کمک به بزه‌دیدگان به منظور رهایی آنان از آثار بزه‌دیدگی، ارائه خدمات به بزه‌دیدگان، برنامه‌های ملاقات میان بزه‌دیده و بزهکار و بکارگیری سایر برنامه‌ها، روش‌ها و اصول عدالت ترمیمی^۵ یاد شده است.^۶

در سطح بین‌الملل، توجه به بزه‌دیدگان را می‌توان دست‌کم تا کنگره‌های بین‌المللی

1- Ibid, P.2.

2- Protective Victimology.

۳- نجفی‌ابرنادادی، مأخذ پیشین، ص ۱۳.

4- Priod of Consolidation, Data Gathering and Theorization.

۵- برای اطلاع بیشتر از مفهوم عدالت ترمیمی، برنامه‌ها، روش‌ها و اصول حاکم بر آن و نقش و اهمیت بزه‌دیده و تأمین حقوق و منافع وی در آن و نیز جایگاه عدالت ترمیمی و در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران بنگرید:

- نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۲، صص ۳۸-۴.

- نجفی‌ابرنادادی، از حقوق کیفری بزه‌دیده مدار تا عدالت ترمیمی، صص ۲۵-۱۸.

- شیر، عباس، فرآیندهای عدالت ترمیمی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس انتظامی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۵، صص ۵۰-۱۸.

6- Fattah, Ezzat A (2000), op.cit, P. 26.

برگزار شده در اواخر دهه اول ۱۸۰۰ ردیابی کرد که در آنها، برای نمونه، بسیاری از شرکت‌کنندگان، بازگشت کلی عدالت کیفری به جبران خسارت را درخواست کردند؛ موضوعی که سازمان‌هایی مانند انجمن بین‌المللی حقوق کیفری و جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی در سال‌های اخیر بدان پرداخته‌اند. اما نخستین نشست مهم بین‌المللی که به‌طور خاص بزه‌دیدگان متمرکز بود، نخستین همایش بین‌المللی دربارهٔ بزه‌دیده‌شناسی بود که در سال ۱۹۷۳ در اسرائیل برگزار شد و به تأسیس جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی در سال ۱۹۷۹ منجر شد.^۱ در این راستا، سازمان ملل متحد در اسناد و کنوانسیون‌های متعدد مسأله بزه‌دیدگان، پیشگیری از بزه‌دیدگی و حمایت از آنان را به‌طورمستقیم و یا غیرمستقیم مورد توجه قرار داده است که مهم‌ترین سند راجع به بزه‌دیدگان، اعلامیه «اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» ۱۹۸۵ است. این سند به‌عنوان «منشور بین‌المللی بزه‌دیدگان» نقطه اوج تلاش‌ها و تحولات بین‌المللی در زمینه بزه‌دیدگان است. به دنبال آن، مقررات و اصول آن در چند سند مهم بین‌المللی نیز انعکاس یافته است مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰^۲ (ماده ۲۵)، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رم ۱۹۹۸^۳ (مواد ۶۸ و ۷۵).

در سطح منطقه‌ای می‌توان به تلاش شورای اروپا در این زمینه اشاره کرد. شورای اروپا در سال ۱۹۸۳ با تصویب «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار»^۴، نخستین گام برای بین‌المللی کردن اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان را در چارچوب مفهومی به نام «جبران دولتی یا عمومی» برداشته است. البته این کنوانسیون تنها به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار محدود می‌شود و موضوع حمایت از بزه‌دیدگان را تنها در

۱- اداره کنترل مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، عدالت برای بزه‌دیدگان، ترجمه: علی شایان، چاپ اول، انتشارات سلبیل، تهران، ۱۳۸۴، صص ۷-۸.

2- United Nations Convention Against Transnational Organized Crime, 2000.

3- Rome Statute of the International Criminal Court, 1998.

4- European Convention on the Compensation of Victim of Violent Crimes, 1983.

این کنوانسیون در نظام حقوقی انگلستان در تاریخ یکم ژوئن سال ۱۹۹۰ م لازم‌الاجراء شده است. ویلیامز، ص ۲۶۸.

چارچوب جبران دولتی و به صورت مادی با تأکید بر واژه غرامت مورد پذیرش قرار داده است. به دنبال آن، شورای اروپا اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان را در توصیه‌نامه‌های متعدد مانند «جایگاه بزه‌دیده در چارچوب حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری (۱۹۸۵)» توصیه‌نامه کمک به بزه‌دیدگان و پیشگیری از بزه‌دیدگی (۱۹۸۷)، میانجی‌گری در امور جنایی (۱۹۹۹) به تصویر کشانده است.^۱

بعد از تصویب «منشور بین‌المللی بزه‌دیدگان» در سال ۱۹۸۵، کشورهای متعدد جهان از جمله ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا، انگلیس و سایر کشورهای اروپایی قوانین و مقررات مشابهی را وضع کرده‌اند.^۲ به عنوان مثال، در انگلیس، نمونه‌هایی از اقدامات انجام گرفته در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان و تأمین حقوق آنان را می‌توان اشاره نمود به: «آیین‌نامه اجرایی بزه‌دیدگان»^۳ یا منشور بزه‌دیده (۱۹۹۰) و اصلاحی آن (۱۹۹۶).^۴ کشور انگلستان در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان به ویژه از طریق حمایت مشارکتی و مردمی در قالب گروه‌ها و نهادهای داوطلب به عنوان یکی از پیشگامان تلقی می‌شود. انگلستان با پذیرش کنوانسیون اروپایی فوق‌الاشعار و اعلامیه معروف سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان ۱۹۸۵، در سال ۱۹۹۰ میلادی توسط وزارت کشور اقدام به انتشار سند راهبردی به نام «منشور بزه‌دیده» نموده است. به طور کلی، در نظام عدالت کیفری انگلستان موضوع حمایت از بزه‌دیده، هماهنگ با اعلامیه معروف سازمان ملل متحد در

۱- برای اطلاع بیشتر از توضیحات مربوط به کنوانسیون اروپایی فوق‌الاشعار، رک: ریجیان اصلی، صص ۹۸-۱۱۶.

2- Fattah, Ezzat A (2000), op.cit, P. 32.

3- The Code of Practice for Victims of Crime, 2005.

۴- The Victims Charter: وزارت کشور انگلستان در سال ۱۹۹۰ دفترچه‌ای به نام «منشور بزه‌دیده» (در خصوص چگونگی رفتار با بزه‌دیدگان) صادر کرده است که این منشور در سال ۱۹۹۶ دچار اصلاح و تکمیل شده است. نسخه جدید منشور راجع به بیان استانداردهای خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان است. به نظر برخی از اندیشمندان، تصویب منشور بزه‌دیدگان در حقیقت تلاشی برای پاسخ به اعلامیه اصول اساسی عدالت راجع به بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵ بوده است. بنگرید:

Fenwick, H (1997), Procedural Rights of Victims of Crime: Public or Private ordering in the Criminal Justice Process?, Modern Law Review, V.6, N.3, P. 317.

زمینه بزه‌دیدگان ۱۹۸۵، به دو شکل حمایت رسمی و مشارکتی انجام می‌گیرد.^۱ یکی از محورهای اصلی مطالعات و تحقیقات بزه‌دیدہ‌شناسان، از جمله فون هنتیگ و مندلسون بحث پیرامون بررسی روابط میان بزه‌کار و بزه‌دیدہ و تقسیم‌بندی انواع بزه‌دیدگان است. یکی از انواع بزه‌دیدگان، بزه‌دیدہ بی‌گناه است که از اینها با عناوین دیگری مانند بزه‌دیدہ نهان به تعبیر فون هنتیگ یا بزه‌دیدہ ایده‌آل از نظر مندلسون^۲ نیز یاد می‌شود. منظور از بزه‌دیدگان / اشخاص آسیب‌پذیر در این نوشتار مفهومی معادل عناوین مذکور است که در قسمت ذیل به مفهوم اشخاص آسیب‌پذیر و سابقه‌ی توجه خاص به این دسته از اشخاص و جایگاه آنان در سطوح بین‌المللی و ملی می‌پردازیم.

ج- مفهوم اشخاص آسیب‌پذیر

بزه‌دیدگان را می‌توان در یک تقسیم‌بندی به دو دسته تقسیم کرد: ۱- بزه‌دیدگان عادی ۲- بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر.^۳ گروه اخیر از بزه‌دیدگان شامل کسانی می‌شوند که به لحاظ داشتن وضعیت و ویژگی خاص مانند کودکی، سالمندی، ناتوانی و جنسی و یا موقعیت خاص مانند حوادث و بلایای طبیعی و یا مصنوعی، اقلیت بودن، شاهد بودن احتمال بزه‌دیدگی و در معرض خطر گرفتن‌شان بیشتر از سایر افراد جامعه است.

کلمه «آسیب‌پذیر» در واژه‌شناسی به معنی، آنکه یا آنچه آمادگی آسیب دیدن را داشته باشد؛ ناتوان در برابر ناملایمات و صدمات و ضعیف به کار رفته است.^۴ در اکثر نوشتگان

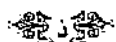
۱- جهت اطلاع بیشتر از مفهوم حمایت رسمی (۱- حمایت قضایی از بزه‌دیدہ یا امکان جبران خسارت بزه‌دیدہ بوسیله بزه‌کار در قالب نظام کیفری ۲- حمایت دولتی از بزه‌دیدہ یا جبران خسارت بزه‌دیدہ بوسیله دولت) و حمایت غیررسمی یا مشارکتی (اقدامات حمایتی خارج از نظام کیفری مانند مراکز بحران تجاوز جنسی، خانه‌های موقت و امن و محل‌های اسکان، گروه حمایت از بزه‌دیدگان زنای با محارم، دایره خدمات شهود) و جایگاه آن در نظام عدالت کیفری انگلستان، بنگرید؛ - دبستانی کرمانی، صص ۲۰۰-۱۰.

- ویلیامز، کترین، حمایت از بزه‌دیدہ و نهادهای مردمی، ترجمه: دکتر علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳، صص ۳۲۴-۲۹۰.

۲- لیز، ژرار، ص ۵۲.

3- Vulnerable victims.

۴- انوری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹.



انگلیسی واژه آسیب‌پذیر / Vulnerable، مترادف اصطلاح «Vulnerable Adult» نیز به کار رفته است. به عنوان مثال، در فرهنگ لغت تخصصی حقوق این اصطلاح به معنی «یک فرد بالغی که از لحاظ فیزیکی یا روانی ناتوان است؛ شخص وابسته به سرویس‌های خدماتی» تعبیر شده است.^۱ آسیب‌پذیری در مفهوم وسیع پزشکی به «قابلیت و آمادگی شخص برای ضعف سلامتی» گفته می‌شود.^۲

واقعیت این است که ارائه تعریف دقیق از اصطلاح «آسیب‌پذیری» کار آسانی نخواهد بود. به نظر می‌رسد علت این امر ناشی از ابهام و پیچیدگی در گستره و ماهیت آسیب‌پذیری، معلوم نبودن مرز تشخیص و تفکیک میان افراد آسیب‌پذیر با دیگران و نیز عدم ارائه یک معیار دقیق از سوی اندیشمندان و ارائه مدل‌های گوناگون از سوی آنان جهت درک آسیب‌پذیری و چرایی آن می‌باشد.^۳ اما صرف نظر از عام بودن مفهوم «آسیب‌پذیری»، به نظر می‌رسد بهترین مدلی را که بتوان بر اساس آن به درک آسانتری از مفهوم آن نائل آمد، مدل «متغیرهای فردی- موقعیتی» است. باید گفت که هر کدام از متغیرهای فردی یا موقعیتی متنوع‌اند و دایره شمول‌شان گسترده است. اما جهت رفع این مشکل و تمایز میان آسیب‌پذیری در مفهوم عام با خاص‌اش، منظور ما از متغیرهای فردی یا موقعیتی در آسیب‌پذیری به مفهوم خاص، شامل آن دسته از متغیرهایی است که از فردی یا موقعیتی است که باعث جلب توجه خاص دیگران/ مجرمین شود. به دیگر سخن، برخی از اشخاص فقط به خاطر داشتن چنین ویژگی‌ها یا موقعیت‌هایی، مورد توجه و بهره‌کشی‌های گوناگون از سوی

1- Garner, 2004, p. 1609.

2- Shi, 2004, p. 22.

۳- برای اطلاع بیشتر از مفهوم لغوی واژه آسیب‌پذیری، تعاریف گوناگون آن، مدل‌های ارائه شده از سوی اندیشمندان جهت درک آسانتر آسیب‌پذیری و چرایی آن به عنوان نمونه بنگرید:

- ویلیامز، کاترین، روش زندگی و تأثیرگذاری بزه‌دیده بر وقوع جرم، ترجمه: دکتر علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱، بهار - تابستان ۱۳۸۴، صص ۴۱۴-۴۱۲ و ویلیامز، تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن، صص ۳۰۱-۲۷۹.

- حاجی تبار فیروزجانی، حسن، پیشگیری اجتماعی از بزه‌دیدگی افراد در معرض خطر، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۸، صص ۴۳-۴۰.

- Shi, leiyou and Stevens, Gregory D (2004) "Vulnerable population in the United States", Jossy- Bass press, p.22-100.

- Arnold, Margaret and etc (2006) "Natural Disaster Hotspots (Disaster Risk Mangement)", published by the world Bank Hazard Mangement, p. 22.

یکسری از افراد فرصت طلب قرار می‌گیرند. مثلاً، شخصی که پیر است ممکن است به دلیل ضعف جسمانی مورد تعرض جسمانی و یا جنسی قرار گیرد یا شخص فقیر و کم‌درآمد به دلیل ضعف مالی، مورد سوءاستفاده مالی یا جنسی قرار گیرد. اما در مواردی مانند کسانی که در هفته چند شب را بیرون از خانه می‌گذرانند، مجرد بودن، زیر ۳۰ سال بودن، افراد ساکن در مرکز شهر، احتمال اینکه این دسته از افراد به خاطر داشتن چنین ویژگی یا موقعیتی مورد سوءاستفاده و تعرض دیگران واقع شوند بعید است. اگرچه، همچنان تعیین و تشخیص متغیرهای مورد نظر کاری بسیار دشوار و قابل ایراد است.

بنابراین، می‌توان «آسیب‌پذیری» را اینگونه تعریف کرد: «وضعیت کسی است که به لحاظ هر یک از متغیرهای فردی یعنی سن، جنس و ناتوانی جسمانی و روانی یا موقعیتی گوناگون مانند اقلیت بودن، در معرض حوادث طبیعی و مصنوعی مانند سیل، زلزله، آتش‌سوزی قرار گرفتن، بیشتر از دیگران قابلیت و آمادگی آسیب دیدن و در معرض سوءاستفاده قرار گرفتن فیزیکی، روحی، جنسی، عاطفی، مالی و غیره را دارد».

بدین‌سان، «بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر» و یا به عبارت دقیق‌تر «اشخاص یا گروه‌های آسیب‌پذیر» کسانی هستند که به دلیل ناتوانی‌های روانی و فیزیکی یا سن یا جنس و یا به دلیل قرار گرفتن در اوضاع و احوال و موقعیت‌های استثنایی، به‌طور دائمی یا موقت، از محافظت و مراقبت خویش در قبال سوءاستفاده‌ها و بهره‌کشی‌های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، جنسی، اقتصادی و اجتماعی ناتوان بوده و نیازمند برخورداری از خدمات حمایتی و مراقبتی ویژه هستند». با توجه به این تعریف، زمانی می‌توان شخصی را آسیب‌پذیر تلقی کرد که این سه شرط اساسی احراز شود. ۱- وجود یکی از متغیرهای فردی و یا موقعیتی آسیب‌پذیری^۱ ۲- ناتوانی شخص در برابر بهره‌کشی‌ها و تعرض‌ها

۱- متغیرهای فردی آسیب‌پذیری عبارتند از: سن (کودکی و پیری)، جنس (زنان) و ناتوانی (جسمی و روانی) ب- متغیرهای موقعیتی آسیب‌پذیری عبارتند از: ۱- موقعیت شغلی (قضات، کارشناس و ...) ۲- موقعیت سیاسی (جنگ، کودتا و ...) ۳- موقعیت اقتصادی (فقر و افراد کم‌درآمد) ۴- موقعیت طبیعی (سیل، زلزله و ...) ۵- موقعیت اجتماعی (اقلیت‌ها، مهاجرین، بی‌خانمان‌ها، پناهندگان و ...) جهت اطلاع بیشتر از گونه‌های آسیب‌پذیری در معنی اخص و جنبه‌های غالب آنها رجوع شود: حاجی‌تبارفیروزجانی، حسن، پیشگیری اجتماعی از بزه‌دیدگی افراد در معرض خطر، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۸، صص ۴۶-۴۳.

۳- نیازمندی به کمک‌ها و خدمات حمایتی ویژه.^۱

این تعریف بیانگر این است که گاهی اوقات خود بزه‌دیده صرفاً به دلیل داشتن شرایط و وضعیت‌های خاص در کنار موارد دیگر می‌تواند به‌عنوان یک عامل بزه‌دیده‌زا و وضعیت پیش‌جنایی^۲ مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور، دانشمندانی از جمله مندلسون اعتقاد داشتند که «بزه‌دیده‌شناسی باید با شناسایی عوامل بزه‌دیده‌زا، به هدف حقیقی یعنی به حداقل ممکن رساندن تعداد بزه‌دیدگان و هدف فرعی یعنی اجتناب از احتمال وقوع بزه‌دیدگی دوباره و کاهش بزه‌دیدگی نائل شود.»^۳

همان‌طوری که امروزه اکثر دانشمندان اتفاق نظر دارند و عقل سلیم نیز چنین اقتضا می‌کند، در قلمرو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی باید یک گرایش جدیدی به نام «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی افتراقی»^۴ را برای بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان، ناتوانان، زنان، اقلیت‌ها، شهود، شاکیان خصوصی و افراد دچار حوادث طبیعی و مصنوعی ایجاد کرد که باید از یک «سیاست جنایی افتراقی» بر مبنای اصل تبعیض مثبت و متناسب با نیازها و

۱- باید اشاره نمود که با رجوع به متون مختلف اختلاف‌هایی در خصوص عنوان دقیق برای اشخاص آسیب‌پذیر و نیز دایره شمول آنها دیده می‌شود. به‌طوری‌که در جاهای مختلف از اصطلاحات گوناگون مانند «بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر» (Vulnerable Victims)، «بالغ آسیب‌پذیر» (Vulnerable Adult) برای تبیین و تشریح این مسأله به کار رفته است. اما به منظور جلوگیری از سردرگمی و اختلافات و با توجه به تعریف «آسیب‌پذیری» بهتر است که از اصطلاح «گروه‌ها/اشخاص آسیب‌پذیر» (vulnerable groups/persons) استفاده شود که یک اصطلاح جامع و مانع برای شمول تمامی گونه‌های آسیب‌پذیر است. کما آنکه، در نظام حقوقی انگلستان در جاهای مختلف به‌طور صریح و یا ضمنی مانند «قانون حفاظت/حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر» ۲۰۰۶ و «آیین‌نامه اجرایی بزه‌دیدگان» ۲۰۰۵ این مفهوم و اصطلاح برگزیده شده است. به‌عنوان مثال، بر پایه آیین‌نامه مذکور در تعریف بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر آمده است: «بزه‌دیدگان زیر ۱۷ سال یا افراد دارای ناتوانی روانی، آموزشی یا فیزیکی که احتمالاً کیفیت ادله‌شان کاهش می‌یابد یا کسانی که بزه‌دیده خشونت خانگی یا جنسی هستند یا کسانی که عضوی از اعضای خانواده‌شان را به خاطر قتل عمد یا غیر عمد از دست داده‌اند».

۲- وضعیت پیش‌جنایی عبارتست از مجموعه اوضاع و احوال خارج از شخصیت بزه‌کار است که بر عمل مجرمانه مقدم هستند و سبب تدارکات آن می‌شوند بنگرید: گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ترجمه‌ی: مهدی کی‌نیا، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۰، ص ۱۸۹.

۳- لیز، ژرار، صص ۵۵-۵۶.

مشکلات آنان تبعیت نماید. به عبارت دیگر، خصیصه آسیب‌پذیر بودن بزه‌دیدگان خاص در قبال آماج بالقوه جرم ایجاب می‌نماید که تا به آنان در مقایسه با بزه‌دیدگان عام با حساسیت بیشتری نگریسته شود. از این رو، اتخاذ رویکرد بزه‌دیده محور افتراقی ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌شود. کما آنکه، پیرو چنین جریان فکری مراجع و نهادهای سیاست‌گذاری ملی و بین‌المللی به منظور توسعه سیاست جنایی و اجرای عدالت نسبت به بزه‌دیدگان بر مبنای وضعیت خاص‌شان، اقدام به وضع سیاست‌ها و مقررات خاصی جهت حمایت از این دسته از بزه‌دیدگان کرده‌اند.

سازمان ملل متحد در اعلامیه معروف اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت (پاراگراف سوم و هفدهم) و نیز در اسناد و کنوانسیون‌های عام و خاص دیگر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱، ۱۹۶۶، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی^۲، ۱۹۶۶، اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳، ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق کودک^۴، ۱۹۵۹، کنوانسیون راجع به حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی^۵، ۱۹۶۵، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد^۶، ۲۰۰۳، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان^۷، ۱۹۷۹، کنوانسیون حقوق کودک^۸، ۱۹۸۹، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رم ۱۹۹۸، پروتکل پیشگیری و سرکوب قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان (الحاقی به

1- International Covenant on the Civil and Political Rights, 1966.

2- International Covenant on the Economic, Social and Cultural Rights, 1966.

3- Universal Declaration on Human Rights, 1948.

4- Universal Declaration on the Rights of the Child, 1959.

5- Convntion on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, 1965.

6- United Nations Convention Against Pollution, 2003.

این کنوانسیون بر اساس قانون مشتمل بر ماده واحده، منضم به متن کنوانسیون شامل مقدمه و هفتاد و یک ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

7- Convwnction on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination Against Women, 1979.

8- Convention on the Rights of the Child, 1989.

کنوانسیون پالمو) ۲۰۰۰، کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت ۲۰۰۶^۱ به مسأله حمایت ویژه از اشخاص آسیب‌پذیر تأکید ورزیده است.

در انگلستان نیز مسأله گونه‌های خاص بزه‌دیدگان و حمایت از آنان به‌طور وسیعی مورد توجه سیاستمداران و مسؤولان در بخش‌های دولتی و غیردولتی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، می‌توان به قوانین و مقررات خاص وضع شده برای اشخاص آسیب‌پذیر از سوی مجلس این کشور اشاره کرد؛ به‌گونه‌ای که حتی در پاره‌ای موارد عناوین انتخاب شده برای قوانین نشانگر اهمیت و جایگاه خاص این دسته از بزه‌دیدگان برای سیاستگذاران آن کشور خواهد بود مانند قانون آیین دادرسی کیفری (اشخاص آسیب‌پذیر) ۲۰۰۷^۲ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۸۴، قانون حفاظت/حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر ۲۰۰۶^۳. همچنین در این کشور در قالب اتحاد شرکت، انجمن و حتی گروه‌های مذهبی، رهنمودها و دستورالعمل‌های متعددی در زمینه حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر وضع شده است که در آنها به تعریف اشخاص آسیب‌پذیر، گونه‌های آن، اصول، روش‌ها و اهداف حمایت از آنان پرداخته شده است. این امر حاکی از تلاش‌های گوناگون انجام گرفته در این کشور توسط مقامات بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی در این باره است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به برخی از رهنمود جامعه کلیسایی و مجلس اداره اسقف انگلستان اشاره کرد مانند تعهد احترام نسبت به تمامی افراد آسیب‌پذیر در جامعه کلیسایی، تعهد به حمایت و محافظت از افراد آسیب‌پذیر، انتخاب و آموزش افرادی که در درون جامعه کلیسایی مسئولیتی نسبت به این افراد دارند، پاسخ سریع و بدون تأخیر به شکایات و اعلام جرم‌های ارتکاب یافته نسبت به این اشخاص و همکاری با پلیس و مقامات محلی در تحقیق و بازجویی، برخورد توأم با احترام و شان این دسته از افراد، حق برخورداری این اشخاص از حمایت‌های حقوقی، اطلاع‌رسانی از طریق وب سایت و غیره، ارائه خدمات به آنها، بکارگیری و استخدام یک فرد مذهبی به منظور ترساندن افرادی که قصد بهره‌کشی و سوءاستفاده از اشخاص آسیب‌پذیر را

- 1- The United Nation Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, 2000.
- 2- Convention on the Rights of Persons with Disabilities, 2006.
- 3- Criminal procedure amendment (vulnerable persons) regulation (2007).
- 4- Safeguarding vulnerable groups Act (2006).

دارند^۱. همچنین دستورالعمل‌ها و رهنمودهای دیگر در انگلستان در قالب طرح‌های حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر توسط این بخش‌ها تهیه شده است.

د- اهمیت و ضرورت بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی افتراقی

همانگونه که فوقاً اشاره شده است، سیاست جنایی راجع به اشخاص آسیب‌پذیر باید از نوع افتراقی باشد. داشتن سیاست جنایی افتراقی نسبت اشخاص آسیب‌پذیر نویدبخش امتیازات و منافعی برای جامعه و به‌ویژه خود بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر خواهد بود. در یک نگاه کلی، به نظر می‌رسد که این مصالح و منافع را می‌توان در سه محور ذیل مورد توجه قرار داد:

اولاً، فرض بر این است که میزان بزه‌دیدگی و خشونت‌پذیری اشخاص آسیب‌پذیر نسبت به سایر افراد جامعه بیشتر است. به عبارت دیگر، اشخاص آسیب‌پذیر به دلیل ویژگی‌های شخصی و موقعیتی خاص بیش از دیگران در معرض انواع سوءاستفاده از سوی یکسری از افراد سودجو و فرصت‌طلب هستند. دلیل عمده‌اش می‌تواند ناشی از ضعف قوای جسمانی و عقلانی اشخاص آسیب‌پذیر، وابستگی و نیازمندی بالای آنان به دیگران و نظایر اینها باشد.

یکی از اهداف اصلی سیاست جنایی هر کشوری، مبارزه با بزهکاری و بزه‌دیدگی و کاهش رقم سیاه آنها می‌باشد. اما در پاره‌ای از موارد سیاست جنایی باید نسبت به برخی از اشخاص به دلیل شرایط و موقعیت خاص‌شان، ویژه و افتراقی باشد. زیرا، در غیر این صورت امکان دستیابی به این هدف امکان‌پذیر نبوده و یا خیلی دشوار خواهد بود. لذا، بدیهی است که داشتن سیاست جنایی افتراقی باعث می‌شود که از یک‌سویه میزان احتمال بزه‌دیدگی و در معرض خطر گرفتن اولیه افراد آسیب‌پذیر کاهش یابد و از سوی دیگر، همچنین آنان را در برابر بزه‌دیدگی‌های ثانویه مقاوم‌تر سازد. بنابراین، وقتی میزان حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر در مقایسه با سایر افراد بیشتر و از نوع افتراقی باشد و به تبع آن میزان بزه‌دیدگی آنان کاهش یابد، در مرحله اول، موجب افزایش میزان خوشبختی و امنیت و آسایش خود اشخاص آسیب‌پذیر و سپس، عموم افراد جامعه خواهد شد. ثانیاً، هر موجود انسانی در تمام نقاط دنیا جهت بقا و داشتن زندگی سالم باید از یکسری حقوق و امتیازاتی

1- The Church of England (2006), protection of vulnerable Adults, www.crb.gov.uk, pp.1-2.

معروف به «حقوق بشری» برخوردار باشد. هر کدام از اشخاص آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان، زنان، ناتوانان جزء موجودات انسانی هستند و باید همانند سایر موجودات انسانی از کلیه حمایت‌ها و حقوق بشری در زمینه‌های مختلف مانند جسمانی و فیزیکی، حیثیتی و عاطفی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی بهره‌مند شوند. در همین راستا، می‌توان به یکی از اصول مهم حقوق بشری یعنی اصل «عدم تبعیض» اشاره نمود. بر مبنای این اصل، تمام موجودات انسانی باید به‌طور یکسان و مساوی از کلیه حقوق و امتیازات برخوردار شوند و مسائلی مانند سن، نژاد، رنگ، ضعف و ناتوانی، جنس، عقاید دینی و مذهبی، ریشه‌های قومی، فرهنگی نباید مبنای تبعیض و متمایز شدن برخی از گروه‌های انسانی از سایرین و نهایتاً اعطای حقوق و امتیازات کمتری به برخی از گروه‌های انسانی به حساب آید. این اصل اساسی حقوق بشری نه تنها در حقوق داخلی اغلب کشورهای دنیا مانند ایران و انگلستان بلکه حتی در اغلب اسناد مهم حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ مورد پذیرش قرار گرفته است. بنابراین، بر مبنای اصل «عدم تبعیض» بایستی نسبت به کلیه شهروندان رفتار برابر شود.

اما مطلب اساسی این است که نه تنها نباید افراد آسیب‌پذیر را از کلیه حقوق و امتیازات بشری محروم کرد بلکه حتی بایستی در پارهای از موارد امتیازات و حمایت‌های افزون‌تر و ویژه برای آنها در مقایسه با سایر افراد جامعه به دلیل وضعیت خاص‌شان در نظر گرفته شود. به همین خاطر، اعتقاد برخی از اندیشمندان در این زمینه امری کاملاً صحیح و منطبق با عدالت خواهد بود. به اعتقاد این اندیشمندان،^۱ «اصل دگرگونی برابری، نباید مانع از حمایت‌های افزون‌تر از معلولان گردد. به عبارت دیگر، «رفتار برابر» با معلولان موجه نیست، بلکه «رفتار به مثابه برابر» موجه و قابل قبول است. عدول از مفهوم ارسطویی «رفتار برابر» به مفهوم مدرن و حقوق بشری «رفتار به مثابه برابر»، راه را برای «تبعیض مثبت» و یا «تبعیض معکوس» که دستاورد نوین حقوق بشر معاصر در اقدامات افزون حمایتی از

۱- قاری سید فاطمی، سید محمد، تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۹۵.

قشرهای کم‌توان‌تر جامعه است، باز می‌کند». لذا، حمایت ویژه و افتراقی از افراد آسیب‌پذیر از مصادیق بارز تبعیض مثبت است. سازمان ملل متحد به‌عنوان مثال، در کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت ۲۰۰۶ ضمن پذیرش اصل عدم تبعیض (بند اول ماده ۵)، در بند ۴ ماده ۵ به اعمال اصل «تبعیض مثبت» و یا «تبعیض معکوس» نسبت به افراد معلول تأکید ورزیده است. «اقدامات ویژه حمایتی که برای وصول به برابری عملی صورت می‌گیرند، از نقطه‌نظر این کنوانسیون نباید تبعیض ناموجه به شمار آید».

وجود سیاست جنایی افتراقی راجع به حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر نه تنها باعث احترام به حقوق و امتیازات بشری آنان به‌ویژه احترام به کرامت و حیثیت انسانی‌شان می‌شود بلکه این امر همچنین باعث ارتقاء موقعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره آنان خواهد شد. بنابراین، با فقدان «سیاست جنایی ویژه» و «تبعیض مثبت» نسبت به اشخاص آسیب‌پذیر، نمی‌توان ادعای حقیقی مبنی بر رعایت و احترام به حقوق بشری آنان را نمود.

ثالثاً، پیرو کاهش ضریب احتمال بروزیدگی افراد آسیب‌پذیر و احترام به کلیه حقوق انسانی آنها از طریق اعمال اصل «تبعیض مثبت» یا «تبعیض معکوس» و داشتن سیاست جنایی افتراقی منسجم و سازمان‌یافته می‌توان انتظار داشتن جامعه‌ای را که در آن موقعیت و جایگاه اشخاص آسیب‌پذیر در مقایسه با سایرین یکسان و برابر شود را داشت. به دیگر سخن، با اعمال اصل «تبعیض مثبت» و تدوین سیاست جنایی افتراقی می‌توان شرایط جامعه را به‌گونه‌ای فراهم نمود که در آن افراد آسیب‌پذیر همانند افراد عادی جامعه بتوانند با آرامش خاطر و بدون ترس از بزه‌دیده واقع شدن زندگی بنمایند و همین‌طور بر برابر و یکسان شدن میزان احتمال بزه‌دیده واقع شدن آنان و ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز علیه آنان از سوی افراد فرصت‌طلب و سودجو با سایر افراد جامعه امیدوار شد. بنابراین، عدم بکارگیری سیاست جنایی افتراقی نسبت به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر پیامدهای سوءایی مانند موارد ذیل را خواهد داشت:

- بیم تجری ارتکاب جرم نسبت به آنان از سوی مجرمان حرفه‌ای می‌رود.
- احتمال ایجاد عقده در چنین اشخاصی و روی آوردن به سمت بزهکاری می‌رود.
- رقم سیاه بزهکاری یا تکرار جرم نسبت به این افراد افزایش پیدا می‌کند.

- باعث بروز افزایش ناامنی، بی‌نظمی و بی‌اعتمادی در سطح جامعه می‌شود.

- باعث تبعیض منفی در حمایت از این اشخاص در مقایسه با سایر افراد جامعه می‌شود.

اما علیرغم اهمیت این مسأله، خلاءها و اشکالاتی مهم در خصوص حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر در سیاست جنایی^۱ ایران وجود دارد. یعنی در قوانین و مقررات ایران، نه تنها به‌طور مصداقی و جزئی به مسأله حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر (پارهای از آنها) و اغلب در قالب قواعد عام پرداخته شده است بلکه شاهد حمایت مصداقی و پراکنده نسبت به هر یک از اقشار آسیب‌پذیر نیز هستیم. به‌طور کلی، علیرغم تلاش‌ها و اقدامات انجام گرفته نسبت به افراد آسیب‌پذیر در ایران ولی سیاست جنایی این کشور از یک‌سو، جامع و منسجم نبوده و از سوی دیگر، افتراقی و ویژه به معنی واقعی نیست. بدین ترتیب، تحقیق پیرامون اشخاص آسیب‌پذیر و حمایت افتراقی و جامع از آنان در نظام عدالت کیفری ایران امری ضروری به شمار می‌رود تا از رهگذر بررسی و تبیین بزه‌دیدگی اشخاص آسیب‌پذیر و گونه‌های آسیب‌پذیری و جهات آن از یک‌سو، چگونگی حمایت از آنان اعم از کیفری و پیشگیرانه از سوی دیگر، با الهام از یافته‌های بزه‌پژوهی‌های حمایتی افتراقی و در پرتو مطالعه تطبیقی، جایگاه آنان در نظام عدالت کیفری ارتقاء بخشیده شود. بر این اساس، همواره این پرسش‌ها مطرح می‌گردد که: آیا قانونگذاران ایران به اشخاص آسیب‌پذیر و حمایت افتراقی از آنان توجه داشته‌اند؟ ماهیت حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر در نظام عدالت کیفری کنونی ایران چگونه است؟ پاسخ‌های قانونگذار ایران به بزه‌دیدگی اشخاص آسیب‌پذیر در مقایسه با اسناد سازمان ملل متحد و قوانین انگلستان چگونه است؟

۱- واژه سیاست جنایی در مفهوم موسع و امروزی آن عبارتست از «مجموعه روش‌هایی است که هیأت اجتماع با استفاده از آنها، پاسخ‌های به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد». (دلماش-مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، جلد نخست، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۱، صص ۲۴-۲۳). به عبارت دقیق‌تر و ساده‌تر، «سیاست جنایی» عبارتست از «کلیه اقدام‌های سرکوب‌گرانه (کیفری و غیر کیفری) و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌شود که دولت و جامعه مدنی هر یک به‌طور مستقل و یا با مشارکت سازمان‌یافته یکدیگر، از آنها در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوبی بزهکاری و بزهکاران و نیز پیشگیری از بزهکاری و انحراف استفاده می‌کنند». نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیپاچه در: کریستین لازرو، درآمدی به سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۶.

۲- از آنجایی که این کشور که امروزه در کنار استفاده از عرف و عادت و رویه قضایی (کامن‌لا)، به قوانین و مقررات وضع شده از سوی سازمان ذی‌ربط نیز مورد استناد قرار می‌گیرد و حتی می‌توان ادعا نمود که

مطالب این نوشتار برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق دربرگیرنده‌ی دو بخش است. بخش نخست: حمایت کیفری از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر و بخش دوم: حمایت پیشگیرانه از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر. مطالب هر بخش مشتمل بر چهار فصل است که با توجه به گونه‌های آسیب‌پذیری به ترتیب به: فصل نخست: بزه‌دیدگی ناشی از سن، فصل دوم: بزه‌دیدگی ناشی از ناتوانی، فصل سوم: بزه‌دیدگی جنسیتی و فصل چهارم: بزه‌دیدگی ناشی از موقعیت تقسیم می‌شوند.^۱

سیستم حقوقی این کشور به سمت سیستم حقوقی نوشته در حال حرکت است و سعی شده است که رویه‌ها و عرف‌های موجود در نظام حقوقی کامن‌لا، در قوانین و مقررات مختلف گنجانده شود و حتی در صورت تعارض حقیقه موضوعه و کامن‌لا، حقوق موضوعه اولویت دارد.

- هیأت پژوهشگران کواندوئی نظام حقوقی انگلستان، برگردان: نسرين مهر، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۱۸.

- مهر، نسرين، تقریرات درس حقوق کیفری کامن‌لا، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، صص ۸۰-۸۱.

۱- مطلوب‌ترین دلیل توجیهی این تقسیم‌بندی را می‌توان از دو اصطلاح «سیاست جنایی» و اشخاص آسیب‌پذیر» و لزوم برقراری ارتباط میان آن دو برداشت کرد. با این وصف که از یک‌سو، سیاست جنایی در یک تعریف کوتاه عبارتست از: «شیوه علمی مبارزه با بزهکاری و نیز بزه‌دیدگی». شیوه‌های مبارزه با بزهکاری و نیز بزه‌دیدگی را می‌توان از ابعاد مختلف به‌عنوان مثال، «روش‌های سرکوبگرانه (کیفری و غیر کیفری) و غیرسرکوبگرانه (پیشگیری)»، «روش‌های واکنشی و کنشی» و «روش‌های کیفری و غیرکیفری (پیشگیری)» مورد توجه قرار داد. به نظر می‌رسد که تقسیم‌بندی اخیر جامع‌تر و مناسب‌تر باشد. زیرا، منظور از روش‌های کیفری شامل آن دسته از تدابیر و شیوه‌هایی می‌شود که در حقوق کیفری اعم از ماهوی (جرم‌انگاری و تشدید مجازات) و شکلی (حمایت‌های قضایی مانند حق گرفتن وکیل و حق ارائه نظرات و حمایت‌های فرا قضایی اعم از مادی و غیر مادی مانند حق جبران خسارات مادی و روانی و عاطفی، حق مراجعه به مراکز روانشناختی و مشاوره) در واکنش به رفتارهای مجرمانه به کار گرفته می‌شوند. منظور از روش‌های پیشگیرانه در مفهوم حقیقی شامل آن دسته از تدابیری می‌شود که در جرم‌شناسی پیشگیرانه و در مرحله قبل از بزهکاری و یا بزه‌دیدگی به منظور مبارزه با علل و عوامل جرم‌زا یا بزه‌دیده‌زا به کار گرفته می‌شوند. ولی ما در این رساله برآنیم تا کمی تدابیر شمول این مفهوم را گسترده‌تر نماییم. یعنی منظور ما از تدابیر پیشگیرانه در اینجا، شامل هرگونه اقدامات و تدابیری به غیر از روش‌های کیفری فوق‌الذکر می‌باشد. یعنی علاوه بر روش‌های پیشگیرانه در مفهوم حقیقی، تدابیر سرکوب گرانه غیر کیفری که همان ضمانت اجرای مدنی، انتظامی و اداری هستند را می‌خواهیم با تسامح زیاد به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد تحت عنوان تدابیر پیشگیرانه تلقی کنیم. به‌عنوان مثال، می‌توان به موارد اجازه طلاق از سوی زن و سلب حق حضانت از والدین اشاره نمود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه اشخاص آسیب‌پذیر به لحاظ وضعیت و موقعیت خاص شان جزء اقشار آسیب‌پذیر و ضعیف جامعه در برابر اعمال مجرمانه هستند. لذا، محور اصلی سیاست جنایی راجع به آنان باید از نوع حمایتی باشد نه سرکوبگرانه. بنابراین، لزوم ارتباط و هماهنگی میان دو اصطلاح فوق‌الذکر ایجاب می‌نماید که مطالب این کتاب به دو بخش یعنی: بخش نخست: حمایت کیفری از اشخاص آسیب‌پذیر و بخش دوم: حمایت پیشگیرانه از اشخاص آسیب‌پذیر تقسیم‌بندی شود.